

تأملی بر مشروطه‌خواهی و ثوق‌الدوله: گذر از حکومت انفعالی به حکومت فعال در ایران دوره مشروطه

نوع مقاله: پژوهشی

آمنه ابراهیمی^۱

چکیده

و ثوق‌الدوله در شمار مشروطه‌خواهان و از جمله چهره‌هایی بود که در گیرودار عدم تحقق مشروطه، برقراری حکومتی فعال و مقتدر را در سامان بخشیدن به وضعیت پرآشوب ایران آن روزگار مؤثر می‌دانست. به‌زعم بسیاری تمایل وی به روس و انگلیس و نقش او در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹م از جمله نقاط سیاهی است که چهره مشروطه‌خواه او را زایل می‌کند و از او چهره‌ای خیانتکار برمی‌سازد. او با نگاهی آسیب‌شناسانه به نقد حکومت انفعالی و تأثیر آن بر ناکامی اجرای مشروطیت می‌پردازد و پیشنهادهای اصلاحی خود را درباره روش و عملکرد مشروطه‌خواهان برای برقراری دولتی مقتدر و قوی، یا به تعبیر خودش حکومت فعال، بیان می‌کند. در این مقاله با روش تحلیل تاریخی و مطالعه سندی سعی می‌شود با توجه به بنیادهای فکری و اصلاح‌گرانه و ثوق‌الدوله، بر چگونگی عملکرد او در جهت تحقق مشروطه و برقراری حکومتی فعال تأمل شود. براساس یافته‌های تحقیق، و ثوق‌الدوله با نظر به پیامدهای پرآشوب دوران ابتدایی مشروطه، بر رفع دخالت نیروهای مختلف مردمی و حزبی در کار مشروطه‌خواهان و گسترش دایره اختیارات حکومت مشروطه تأکید می‌کند. او فارغ از الگوهای پیشرفت اروپا به نوع بومی این تحول در ایران توجه دارد و البته در جهت اعاده قدرت حکومت مرکزی و حل مسائل داخلی، تکیه ایران به یکی از قدرت‌های پیشرفته خارجی را مجاز قلمداد می‌کند. واژگان کلیدی: و ثوق‌الدوله، مشروطه‌خواهی، حکومت انفعالی، حکومت فعال یا مقتدر.

A Reflection on Vosough od-Dowleh's Pro-constitutionalism: A Passive-to-Active Government Transition in Peri-constitutional Iran

Amane Ebrahimi²

Abstract

Vosough od-Dowleh was a pro-constitutionalist and one of the figures who, perplexed by Constitutionalism's failure, considered it effective to establish an active/powerful government in order to deal with Iran's chaotic situation at that time. Many find his tendency towards relationships with Russia and Britain, as well as his conclusion of the 1919 Agreement as black marks that hide his constitutionalist deeds and defame him as a traitor. This study aims to investigate. He views on and actions for the establishment of Constitutionalism and an active government based on his record. He is one of the figures who made corrective suggestions for the constitutionalists' modus operandi for the establishment of a powerful government or, in his own words, an active government. Conducted as secondary historical research, the present study looked at the reformist ideas of him to analyze his work towards enabling a constitutional system and an active government. The study found that Vosug ed-Dowleh, seeing the chaotic and intertwined consequences of early Iranian constitutionalism, worked to realize the movement's goals by not only stopping the interference of the public and political parties in the affairs of the constitutionalists, but also by seeking to expand the scope of the constitutional government's authority. He also sought to bring about a localized brand of constitutionalist change in Iran that did not necessarily follow European ways of progress. Finally, he found it acceptable for Iran to rely on a developed foreign power to restore the authority of the central government and resolve domestic issues.

Keywords: Vosough od-Dowleh, Pro-constitutionalism, Passive government, Active or powerful government.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. * تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۱/۲۳ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۴/۱۵

2. Assistant Professor, Department of History, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Email: amenehebrahimi94@gmail.com

مقدمه

منابع تاریخ مشروطه و پژوهش‌ها دربارهٔ این دوره مملو است از قضاوت‌هایی صریح در مورد چهره‌های مختلفی که در رخداد مشروطه نقش داشتند. این چهره‌ها اغلب به دو دستهٔ مشروطه‌خواه و حامی آزادی و قهرمان و مخالف مشروطه و آزادی و خائن و مستبد تقسیم می‌شوند. اما مسئولیت تاریخ‌نگار دورهٔ مشروطه ایجاب می‌کند در خوانش تاریخ این دوره، با رعایت اصل بی‌طرفی و دوری از قضاوت‌های صریح، افراطی و آغشته به غرض و احساس، از وقایع و نقش‌آفرینی افراد مختلف تصویر روشن و جامعی به دست دهد. از سوی دیگر، بهره‌گیری از انبوه اسناد مختلف این دوران در آرشیوهای داخلی و خارجی می‌تواند به فهم بهتر تاریخ‌نگار از موضوعات مختلف کمک کند و گرد ابهام را از چهره‌های این دوره و رخدادهای آن پس زند. یکی از شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار این مقطع از تاریخ ایران وثوق‌الدوله است که نقش او در مشروطه، به‌ویژه در جریان انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، آلوده به خیانت است. اما به نظر می‌رسد با تکیه بر منابع اسناد، به‌خصوص اسناد کمیسیون‌های مجلس دوم که به‌تازگی یافت شده، بتوان تا حدی از شدت و حدت این قضاوت‌های منفی در حق او کاست. عملکرد او در بحبوحهٔ انقلاب مشروطه و تلاش‌هایش برای استقرار حکومتی مردمی و مدرن می‌تواند از واقعیت چهرهٔ تاریخ‌ساز او سخن بگوید. بنابراین، پژوهش حاضر براساس اسناد نویافته در صدد پاسخ به این پرسش است که بنیادهای فکری وثوق‌الدوله در برقراری مشروطیت چه بود؟ و چرا وی اجرای اهداف مشروطیت را با برقراری حکومت فعال و مقتدر در پیوند می‌دید؟

در باب افکار مشروطه‌خواهانهٔ وثوق‌الدوله تاکنون پژوهش مستقلی نشده است. اما پژوهشگران تاریخ معاصر دربارهٔ عملکرد او، به‌ویژه در زمان انعقاد قرارداد ۱۹۱۹، آثاری عرضه کرده‌اند. از آن جمله دو مقالهٔ محمدرضا نایینی است که با نگاهی ژورنالیستی و در حمایت از وثوق‌الدوله نگاشته شده‌اند: «نقض عهد وثوق‌الدوله در مورد قرارداد ۱۹۱۹»^۱ و «خدمات سیدضیاء و وثوق‌الدوله و نقش آنان در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ در حفظ تمامیت ارضی»^۲. نویسنده در مقالهٔ نخست با ذکر تأخیر وثوق‌الدوله در اجرای قرارداد ۱۹۱۹، سیاست او را در برخورد با انگلستان موفق می‌داند. و در مقالهٔ دوم که متن مصاحبهٔ نویسنده با سیدضیاء است، موضوع همفکری وی با وثوق‌الدوله را در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ و نقش آن دو را در جلوگیری از تجزیهٔ خوزستان و حل مسئلهٔ ارتباط شیخ خزعل با انگلیسی‌ها مطرح می‌کند. بهمین رضاخانی نیز در نوشتاری با عنوان «دربارهٔ قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله» به نقد آرای حسن نراقی، جامعه‌شناس، می‌پردازد

۱. سید محمدرضا جلالی نایینی، «نقض عهد وثوق‌الدوله در مورد قرارداد ۱۹۱۹»، حافظ، ش ۲۰ (آبان ۱۳۸۴)، ص ۹۴-۹۵.

۲. سید محمدرضا جلالی نایینی، «خدمات سیدضیاء و وثوق‌الدوله و نقش آنان در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ در حفظ تمامیت ارضی»، حافظ، ش ۶، (۱۳۸۳)، ص ۱۹-۲۱.

که در حمایت از وثوق‌الدوله سخن گفته است.^۱ «میرزا حسن‌خان و وثوق‌الدوله هفدهمین وزیر علوم و معارف ایران» مقاله‌ای است از اقبال یغمایی که با نگاهی متعادل تر نقش و وثوق‌الدوله را در تاریخ معاصر واکاوی کرده است.^۲ «قرارداد و وثوق‌الدوله و حوادث مربوط به آن»، از شمس‌الدین رشیدی، در ضدیت با عملکرد و گرایش‌های سیاسی او به انگلستان نوشته شده است. از منظر نویسنده و وثوق‌الدوله خائن است.^۳ «تلاش‌های حکومت بلشویکی روسیه و عواقب کجروی و وثوق‌الدوله» از حبیب‌الله کمالی نیز در ضدیت با این چهره است.^۴ ناصر تکمیل همایون در مقاله‌ای موضع دکتر مصدق را در قبال قرارداد و وثوق‌الدوله بررسی کرده است. این اثر نیز از شدت مخالفت‌ها با وثوق‌الدوله و تبار او سخن می‌گوید.^۵ اما محمد کلهر و شهرزاد مقیمی در مقاله «زمینه‌های پیدایش دولت مقتدر (۱۲۸۵-۱۳۰۲ش)» مفهوم اندیشه دولت مقتدر را در بازه زمانی‌ای که وثوق‌الدوله نیز از کار به دستان بوده است دنبال کرده‌اند. در این مقاله به صورت موجز به عملکرد مقتدرانه دولت دوم و وثوق‌الدوله در حل مسائل کشور اشاره شده است و بیش از این مطلبی در بر ندارد. در واقع تمرکز اصلی نویسندگان بر بحث کودتای ۱۲۹۹ش است.^۶ در پژوهش پیش‌رو، براساس روش تحلیل تاریخی و مطالعه سندی سعی می‌شود با تمرکز بر افکار و اقدامات مشروطه‌خواهانه و وثوق‌الدوله، دنیای ذهنی او در تطابق با عملکردش واکاوی شود.

عملکرد و وثوق‌الدوله از ابتدای مشروطه تا پایان مجلس دوم

وثوق‌الدوله، خواهرزاده امین‌الدوله، به توصیه این رجل آزادیخواه و خوشنام به تحصیل علوم معمول زمانه پرداخت، زبان انگلیسی و فرانسه آموخت و در کنار او مشغول به کار شد. در سال ۱۳۱۰ق پدرش معتمدالسلطنه، مستوفی اول آذربایجان، او را نزد شاه وقت ناصرالدین شاه آورد. شاه که وثوق‌الدوله را جوانی مستعد و فاضل دید، او را به نیابت پدرش مستوفی آذربایجان کرد و به او لقب و وثوق‌الملک داد. بعد از گذشت دو سال نیز به وثوق‌الدوله ملقب شد. با رخداد مشروطه در ایران و وثوق‌الدوله به جمع آزادیخواهان پیوست^۷ و در جریان مشروطه نقش آفرینی کرد. او از جمله چهره‌هایی است که به‌رغم اختلاف‌ها درباره رویکردهای اصلاحی‌اش، حتی گاه از نظر مخالفین، فردی کاردان، مدبر و عملگرا معرفی شده است.

۱. بهمن رضاخانی، «درباره قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله»، حافظ، ش ۸۱ (اردیبهشت ۱۳۹۰)، ص ۸۰-۸۱.
۲. اقبال یغمایی، «میرزا حسن‌خان و وثوق‌الدوله هفدهمین وزیر علوم و معارف ایران»، مجله آموزش و پرورش، ش ۱۲۳ (اردیبهشت ۱۳۵۰)، ص ۵۶-۶۱.
۳. شمس‌الدین رشیدی، «قرارداد و وثوق‌الدوله و حوادث مربوط به آن»، خاطرات وحید، ش ۴۰ (بهمن ۱۳۵۳)، ص ۲۵-۳۶.
۴. حبیب‌الله کمالی، «تلاش‌های حکومت بلشویکی روسیه و عواقب کجروی و وثوق‌الدوله»، گنجینه اسناد، ش ۹ (بهار ۱۳۷۲)، ص ۴۶-۵۵.
۵. ناصر تکمیل همایون، «قرارداد و وثوق‌الدوله و موضع‌گیری دکتر مصدق»، بخارا، ش ۹۹ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳)، ص ۳۳۰-۳۵۷.
۶. محمد کلهر، شهرزاد مقیمی، «زمینه‌های پیدایش دولت مقتدر (۱۲۸۵-۱۳۰۲ش)» مسکو، ش ۱۳ (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۱۳۱-۱۴۶.
۷. ملک‌الشعرا بهار، «شرح حال مرحوم و وثوق‌الدوله»، بغما، ش ۱۱۰ (شهریور ۱۳۳۶)، ص ۲۵۶.

نخستین ردپای مشروطه‌خواهی و وثوق‌الدوله که شاید به نوعی نقش او را در تدوین وجه نظری مشروطه بازمی‌تاباند آن است که وی در زمان کسالت مظفرالدین شاه قانون مشروطه را نزد صنایع‌الدوله آورد تا برای بازبینی و امضا نزد شاه فرستاده شود.^۱ همچنین در بحبوحه حوادث مشروطه قرار می‌شود خانه او جان‌پناه آزادیخواهانی چون ملک‌المتکلمین شود، اما وی از قبول این کار عذر می‌خواهد و از این پس چهره مذمومی پیدا می‌کند. گرچه ناظم‌الاسلام معتقد است «زحمات سابقه و لاحقۀ وثوق‌الدوله این گناه را شست»^۲

وثوق‌الدوله در اولین دوره مجلس شورای ملی از طرف اعیان نماینده تهران شد و مقام نایب اولی رئیس مجلس را نیز بر عهده گرفت.^۳ او در کمیسیون نوشتن متمم قانون اساسی حضور داشت.^۴ و از وکلای آگاه به کار مجلس بود.^۵ برخی او را به‌رغم آگاهی و کاردانی، از مشروطه‌خواهان نمی‌دانستند.^۶ اما جدیت وثوق‌الدوله در رسیدن به اصلاحات مدنظرش و وفاداری‌اش به اهداف جنبش مشروطه، او را در نظر بعضی در ردیف دموکرات‌ها یا تندروها جلوه می‌داد. حال آنکه وی هیچ‌گاه در این حزب عضویتی نداشت^۷ و از لیبرال‌های مستقل محسوب می‌شد. شاید حمایت دموکرات‌ها از او در مجلس اول مسبب چنین تصویری بود.^۸

وثوق‌الدوله در مجلس اول رئیس کمیسیون مالیه نیز بود و در این زمینه «برای توازن و تعدیل بودجه و جلوگیری قرض از اجانب مهم‌ترین کاری که کرد این بود که آن مواجبات‌های گزاف را قطع و کسر کرد و تا حدی موفق شد قلم جمع و خرج را به هم نزدیک کند»^۹ از این پس کسانی که منافع مادی خود را تضییع شده یا در خطر می‌دیدند به رویارویی با مشروطه‌خواهان پرداختند. وثوق‌الدوله نیز بی‌نصیب نماند و آماج تهمت‌های آنها قرار گرفت. تا جایی که ملک‌المتکلمین در گفت‌وگویی با او که متن آن را در روزنامه *حبل‌المتین* به چاپ رساند، سعی کرد به روشن‌داشت چند و چون کار وی در امر مالیه بپردازد. در پایان این گفت‌وگو وثوق‌الدوله به وی وکالت می‌دهد در مورد حقوق دیوانی‌اش با صلاح‌دید خود اقدام کند و ملک‌المتکلمین نیز پیرو این معنی از وزیر مالیه می‌خواهد تا هزار تومان از مواجبات وثوق‌الدوله کسر

۱. مهدی قلی‌خان هدایت، *خاطرات و خطرات* (تهران: زوار، ۱۳۶۳)، ص ۱۴۳.

۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، *تاریخ بیبری ایرانیان* (تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۶)، ص ۵۰۰.

۳. همان، ص ۶۴۶.

۴. مهدی ملک‌زاده، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران* (تهران: علمی، ۱۳۷۹)، ج ۱، ص ۴۲۸.

۵. مذاکرات مجلس اول، از ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا جمادی الاول ۱۳۲۶، تهران: ۱۳۲۵، ص ۵۳-۴.

۶. کسروی، *تاریخ مشروطه ایران* (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۱۶۸۳.

۷. منصوره اتحادیه، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای ملی* (تهران: نشر سیامک، ۱۳۸۱)، ص ۸۷.

۸. فریدون آدمیت، *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران* (تهران: پیام، ۱۳۶۳)، ص ۱۴۴.

۹. ملک‌زاده، ج ۱، ص ۴۸۴؛ کسروی، *تاریخ مشروطه ایران*، ص ۲۲۸.

کند و به ضعفای ملت ببخشد.^۱

پس از به توپ بسته شدن مجلس اول، وثوق‌الدوله در مجلس عالی عزل محمدعلی شاه حضور داشت.^۲ کار مجلس عالی بر اثر جمعیت زیاد، عدم اتفاق و اختلاف سلاطین افراد به جایی نرسید و لاجرم هیئت مدیره‌ای دوازده نفره تشکیل شد که تا افتتاح مجلس بعدی زمام امور را در دست گیرد. وثوق‌الدوله در این مجلس هم حضور داشت.^۳ تصمیمات این هیئت که وثوق‌الدوله نیز در تصویب آن سهیم بود، دایر بر حل و فصل مسائل مالی، تأسیس خزانه و تمرکز عایدات کشور، اخراج محمدعلی شاه از کشور و گرفتن جواهرات سلطنتی در تصرف شاه مخلوع، رسیدگی به کار مجاهدین و انتخاب ولیعهد و همچنین تأمین زندگی شهدای مشروطه و اعزام سپاه به آذربایجان بود.^۴

چنانکه از منابع برمی‌آید، موارد بالا پیگیری شد و موفقیت وثوق‌الدوله حتی در چشم کسانی که راه مخالفت با او را می‌پیمودند خوش نشست. از جمله عبدالله مستوفی که نگاهی منتقدانه و حتی بدبینانه به عملکرد وثوق‌الدوله داشت، در زمان شرح اصلاح بودجه کشور از اقدامات او و تفاوت آن با دوره مظفری تعریف و تمجید کرد.^۵ لازم به ذکر است در این زمینه تصمیم بر آن بود که از مستشارهای خارجی نیز بهره گیرند.^۶

دیگر نشانی که مهر تأییدی است بر مشروطه‌خواهی وثوق‌الدوله، به وقایع بعد از تشکیل مجلس دوم و پیروزی مجاهدین مربوط می‌شود. در این زمان وثوق‌الدوله در صحن مجلس در مورد ستارخان و باقرخان نطق مهیجی کرد و پیشنهاد او مبنی بر اهدای سپاس‌نامه‌ای به این دو سردار مورد تأیید نمایندگان مجلس قرار گرفت.^۷

وثوق‌الدوله در کابینه سپهسالار تنکابنی به وزارت مالیه رسید و از جمله کسانی بود که از کارکرد کابینه او ناراضی بود. ناکارآمدی این کابینه در حل معضلات کشور و تمایل سپهسالار تنکابنی به مستبدین، به‌ویژه شاه و روس‌ها، آن را به سقوط کشاند.^۸ یکی از سیاست‌های مشروطه‌خواهان در مجلس دوم این بود که از دولت‌های روس و انگلیس قرضی گرفته نشود. بنابراین، وثوق‌الدوله و صنیع‌الدوله، وزیر علوم، با موافقت رئیس کابینه در این زمینه دست به اقدامی نزدند.^۹ اما فشارهای این دو قدرت نقش‌ساز در

۱. ملک‌زاده، ج ۱، ص ۴۸۴-۴۸۹.

۲. ایرج افشار، *اوراق تازه‌یاب مشروطیت* (تهران: جاویدان، ۱۳۵۹)، ص ۱۷۰.

۳. ملک‌زاده، ج ۶-۷، ص ۱۲۵۶؛ افشار، همان.

۴. ملک‌زاده، ج ۶-۷، ص ۱۲۸۱ و ۱۲۸۰.

۵. عبدالله مستوفی، *شرح زندگانی من*، ج ۲ (تهران: زوار، ۱۳۷۱)، ص ۲۵۱.

۶. همان، ج ۲، ص ۳۲۹.

۷. احمد کسروی، *تاریخ هجده ساله آذربایجان*، ج ۱ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۷۷؛ ملک‌زاده، ج ۶-۷، ص ۱۲۹۷.

۸. ملک‌زاده، ج ۶-۷، ص ۱۳۴۰؛ قهرمان‌میرزا عین‌السلطنه، *روزنامه خاطرات*، ج ۵ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۷)، ص ۳۳۶۵.

۹. یحیی دولت‌آبادی، *حیات یحیی*، ج ۲ (تهران: انتشارات عطار و انتشارات فردوسی، ۱۳۷۱)، ص ۱۳۱.

عرصه تاریخ معاصر ایران، در پی انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ جریان کار را به سمت و سویی دیگر سوق می‌داد. چنین است که مشاهده می‌کنیم در صفر ۱۳۲۸ و امی به مقدار دویست تا سیصد هزار لیره که قرار بود وثوق‌الدوله و صنایع‌الدوله از یک سندیکای بین‌المللی بگیرند با مداخله انگلیس و روس به سرانجام نرسید.^۱ کوشش‌های پس از این نیز حتی باعث کشته شدن صنایع‌الدوله شد.

وثوق‌الدوله در کابینه صمصام‌السلطنه نیز حضور داشت و این بار وزیر امور خارجه شد. این کابینه سران مستبدین و حامیان فتنه محمدعلی شاه را تنبیه و مجازات کرد.^۲ در همین زمان است که وثوق‌الدوله در قضیه تصرف املاک شعاع‌السلطنه (پسر مظفرالدین شاه) که از تبعه روس‌ها بود، حاضر به معذرت‌خواهی از نماینده روسیه شد. این عملکرد او در آن مقطع حساس به‌زعم برخی نوعی وطن‌پرستی تلقی شد.^۳ چرا که وی هدف مهمی را دنبال می‌کرد و آن اینکه روس‌ها بنا داشتند در پی این عذرخواهی قوای خود را از خاک ایران خارج کنند.^۴ گرچه با وجود حاضر شدن وثوق‌الدوله در سفارت روس و معذرت‌خواهی او، قوای روس از ایران خارج نشد و این عمل او نوعی خوش‌خیالی قلمداد شد.^۵ در همین باب وثوق‌الدوله نطقی در مجلس ایراد کرد که نشان روشنی است بر اینکه وی از زورگویی روس‌ها نمی‌هراسد. آنچه ملک‌زاده از وضعیت روحی وثوق‌الدوله و پاهای لرزان و صدای رنجورش در موقع قرائت متن نطقش آورده است، شدت تأثر وی از اولیتماتوم روس را می‌رساند.^۶

در این دوره دیگر دستاویز فشار روس‌ها بر مجلس ایران اخراج مورگان شوستر امریکایی به سبب مغایرت عملکرد وی با منافع آنها در ایران بود که اولیتماتوم دوم را در پی داشت. درهم‌ریختگی اوضاع در کرمانشاه و تبریز و تهدید قشون خارجی که به نزدیکی پایتخت رسیده بودند، دولت را در شرایط اضطراری تصمیم‌گیری قرار داد. با توجه به اینکه در این زمان دولت نه پول داشت و نه قدرت، وثوق‌الدوله موافق این بود که به خواست روس‌ها پاسخ داده شود و یا با کمک نیروی مردمی در مقابل روس‌ها ایستادگی شود.^۷ با این حال، فشار روس‌ها و مقاومت مجلس شرایط را به سمتی سوق داد که نایب‌السلطنه انحلال مجلس دوم شورای ملی را اعلام کرد.^۸

۱. محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۲ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰)، ص ۱۲۲.

۲. ملک‌زاده، ج ۶-۷، ص ۱۴۱۷.

۳. حسن تقی‌زاده، زندگی طوفانی، به کوشش ایرج افشار (تهران: علمی، ۱۳۷۲)، ص ۴۶۳. درباره اصرار تقی‌زاده به وثوق‌الدوله برای عذرخواهی بنگرید به: افشار، ص ۳۶۹.

۴. ملک‌زاده، ج ۶-۷، ص ۱۴۵۴.

۵. مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، به کوشش فرامرز برزگر و اسماعیل رائین (تهران: صفی‌علیشاه، آبان ۱۳۵۱)، ص ۲۱۰. درباره عذرخواهی وثوق‌الدوله و درگیری‌های حزبی بنگرید به: محمدعلی دولت‌آبادی، خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی (تهران: انتشارات ایران و اسلام و فردوسی، ۱۳۶۲)، ص ۵۱.

۶. ملک‌زاده، ج ۶-۷، ص ۱۴۶۱.

۷. دولت‌آبادی، خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی، ص ۳۸: اتحادیه، ص ۴۷۴.

۸. احمد کسروی، تاریخ هجده‌ساله آذربایجان (تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶)، ص ۴۸۱.

همین شرح کوتاه درباره نظر و عملکرد وثوق‌الدوله در میانه حوادث مشروطه نشان می‌دهد که مشروطه‌خواهان نتوانستند به اهداف و آرمان‌های خود جامه تحقق ببوشانند. گرچه در ظاهر کشور دارای مجلس و نماینده شده و پای قانون اساسی در میان بود، مشروطه‌خواهان که در درون خود دچار مشکل بودند در برابر حوادث پیش‌بینی نشده، جمعیت‌ها و سلايق و ناآگاهی عامه و فشارهای خارجی نتوانستند کاری از پیش ببرند و تقلاها و فریادها و کوشش‌هایشان فایده نبخشید و «در این هنگام دستگاه مشروطه برچیده شد.»^۱

نظری به آرای و وثوق‌الدوله: آسیب‌شناسی وضعیت انفعالی حکومت مشروطه

در گیرودار مسائل و مصائب داخلی و خارجی، در حین کار مجلس دوم، وثوق‌الدوله که ناکامی تحقق مشروطه را به عینه شاهد بود، کوشید با نگاهی آسیب‌شناسانه به نقد مسائل داخلی کشور بپردازد و برای تحقق حکومتی فعال و مقتدر نظر خود را ابراز دارد. در پی این معنی، وی در نوشتاری دوازده صفحه‌ای از انفعالی بودن حکومت سخن می‌گوید و بر این نکته پای می‌فشرد که مشروطه‌خواهان از وجه ایجابی یا تحقق مشروطه غافل بودند و بنابراین خط حرکتی نداشتند و نمی‌دانستند چگونه با رخدادها مواجه شوند. وی وضع حکومت را مانند آدم بی‌اراده و غافل و شعاری می‌داند که در انتظار آن است چیزی بی‌کسی از بیرون سرنوشت او را تعیین کند. حکومت انفعالی نیز همچون این آدم بی‌اراده پیشرفتی نخواهد کرد و در برابر رخدادها دچار عجز می‌شود و لاجرم راه نیستی را می‌پیماید.^۲

از منظر او، حکومت انفعالی زیر بار حوادث مختلف به حکومت آنارشی تبدیل خواهد شد که اگر با خطرات خارجی مواجه باشد محکوم به اشغال است. و اگر از خطر خارجی مصون باشد به الیگارش می‌رسد و حکومت به دست افراد زورگو می‌افتد. وی سپس تصریح می‌کند که این نوع حکومت به‌زعم عقلا بدترین نوع حکومت است، چرا که مبنای عقلانی ندارد و قدرت از دست گروهی به دست گروهی دیگر می‌افتد و بالاخره بی‌ثباتی مانع رشد و نمو آن می‌شود.^۳

وثوق‌الدوله مشروطه را زائیده حوادث می‌داند، حادثی که در نتیجه بی‌تدبیری و بی‌فکری و عدم دفع اختلافات و اهمال در برقراری وضع مطلوب حکومت را بیچاره کرده است. وی این رویه را رویه‌ای نابودکننده برمی‌شمرد و برای ترسیم بهتر وضعیت به نقد اوضاع داخلی می‌پردازد. او در این قسمت از اوراق خود یکی از عوامل ایجاد مشکلات را اشخاصی می‌داند که مخالف مشروطه بودند و در مقطع

۱. همان، ص ۴۸۲.

۲. اسناد کمیسیون‌های مجلس دوم، کارتن ۱۴، پرونده ۱، ص ۱.

۳. همان، ص ۱ و ۲.

درگیری‌ها ساکت شدند یا از ابتدا سکوت اختیار کردند و درست در زمانی که فاتحان یا مشروطه‌خواهان ضعیف شدند، دست به فتنه و فساد بردند. این گروه مردم بی‌طرف و مردد را به سمت خود جلب کردند تا در وقت مقتضی از نیروی آنها علیه مشروطه‌خواهان بهره ببرند. از طرفی فاتحان (مشروطه‌خواهان) با دفع مقطعی حوادث و بعد از آن با فاصله گرفتن از اتحاد و همدلی باعث شدند فاسدین در صفوف آنها وارد شوند و اختلافاتی بروز کند.^۱

در قسمت بعدی این سند باز هم وثوق‌الدوله از بی‌طرح و برنامه بودن کار مشروطه‌خواهان می‌گوید و اضافه می‌کند:

اولیای امور ایران در زمان استبداد خاصه در ازمنهٔ اخیره نتوانستند غالب سرجبان‌ها و متنفذین هر طبقه را از خود راضی نمایند یعنی حاصل غارت و یغمای خود را به نسبت مساوی تر تقسیم کرده خودشان به سهم کمتر راضی شوند. از این راه اشخاص و دسته‌های مخالف و ناخشنود ایجاد کردند. این دسته‌ها حاضر شدند با هر صدایی که برضد اوضاع آن وقت بلند شود هم‌آواز شده، در برانداختن آن اوضاع شرکت نمایند.^۲

وی عده‌ای از تحصیلکردگان غرب را نیز که منادی مشروطه شدند در برآمدن این وضعیت سهیم می‌داند. کسانی که می‌پنداشتند مشروطه مقاصدشان را برآورده می‌کند و اگر چنین نشد می‌توانند وضع را به صورتی دیگر تغییر دهند. بدین سان با وقوع رخداد مشروطه و عدم تحقق آن، عده‌ای روی کار آمدند که از موقعیت سوءاستفاده و مجلس را از حزب‌های خود پر کردند و در کارها دخیل شدند و به منافع کوتاه‌مدت دست یافتند و بی‌نظمی و «مداخلات مغرضانهٔ عامه» را نتوانستند حل و فصل کنند و در نهایت شکست خوردند تا اینکه مجدداً استبداد رخ نمود.^۳

وثوق‌الدوله بین مشروطه‌خواهان اولیه و اخیر (همزمان با دورهٔ دوم مجلس) تمایز قائل می‌شود. گرچه هر دو را در نداشتن طرح و نقشه برای اجرای مشروطه شبیه یکدیگر می‌داند، بر جدیت اصلاح‌گراانه و مشروطه‌خواهانهٔ طیف جدید تأکید می‌کند. با این همه او شرایط را برای رسیدن به وضعیت مطلوب مناسب تلقی نمی‌کند، چرا که جماعات مختلفی که در صحنهٔ مشروطه ظهور و بروز می‌یابند مختلف‌اند و هر یک بر آشفتگی اوضاع تأثیر می‌گذارند، از جمله بی‌خبران از مشروطه، استبدادپرستان و کسانی که قدرت تمییز خود را از دست داده‌اند. از منظر وی،

اول اقدام این جماعت استفاده از جهل و بی‌خبری عامه و تنفیر طبایع از اصلاحات است. در این اقدام

۱. همان، ص ۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۴.

خاصه با انفعالی بودن حکومت هیچ زحمتی ندارد، زیرا که اداره امور مملکت بر اصول مشروطیت مستلزم توسعه ادارات و تقسیم کارها و منع اسرافات اداری و امثال آنها است و بدون تحقق این لوازم مشروطیت فقط لفظ بوده و از تکرار آن جز تجری عامه و ظهور هرج و مرج و مفسد دیگر که هیچ حکومت فعالی از عهده جلوگیری آنها بر نمی‌آید هیچ نتیجه حاصل نمی‌شود.^۱

بدین‌سان وثوق‌الدوله برای آسایش عمومی و برقراری ثبات فراهم‌آوری بودجه را لازم می‌داند. نقش بودجه در نظر او همچون بذری است که بار می‌دهد. وی وظیفه تأمین بودجه را به خاطر عدم کمک بلاعوض دیگر کشورها بر عهده اهالی مملکت می‌داند. از منظر او تأمین بودجه همچون وضعیت سنتی و پیشامشروطه دچار اشکالاتی است و باید با نگاهی عادلانه و براساس تقسیم ثروت و مقام اشخاص انجام گیرد. در این میان، به افراد ثروتمند و فرادست سهم بیشتری تعلق می‌گیرد و این در حالی است که اینان برای حفظ منافع شخصی امکان ضدیت و مخالفت با این طرح را دارند و چه بسا دیگرانی را از سایر طبقات با خود همراه کنند. از طرفی تعدیل مبالغ بودجه و تقسیم آن بین اقویا و ضعفا، با توجه به خرابی وضع دهات و مزارع ضعفا و عدم توانایی آنها در پرداخت، سبب می‌شود اقویا با تعدیل بودجه مخالفت کنند. بدین ترتیب، باز هم مشکلی دیگر رخ می‌نماید.^۲

از سوی دیگر، نفاق میان اصلاح‌طلبان یا آنان که دلسوزانه و مجدانه برای تحقق مشروطه گام برمی‌دارند مزید بر مشکلات است. اختلاف ایشان در طرح راهکاری برای رفع مرض مملکت و ظهور احزاب از میان آنها (مفرط و مفرط و انقلابی و یا اعتدالی) بر مشکلات و مصائب دامن زده است. و با توجه به اینکه این افراد در صحنه سیاسی کشور در نقش و کلاهی ملت یا وزرای دولت حضور دارند، می‌توان به‌روشنی منتظر بی‌نظمی‌ها و بی‌ثباتی‌ها در امر حکومت چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی بود. در چنین فضایی که مملو از مشکل و حادثه است، به دلیل انفعال حکومت، هیچ‌گاه نظم و ثبات که از وظایف یک حکومت فعال است تأمین نمی‌شود. از منظر وثوق‌الدوله این مسائل بر روابط خارجی تأثیراتی دارد که در وجیزه و نوشته مختصر او نمی‌گنجد.^۳

وثوق‌الدوله علاج کار را تأسیس حکومت فعال می‌داند. به عقیده او، از روزی که نخستین گام برای این کار برداشته شود تاریخی جدید شکل می‌گیرد که به طور حتم از گذشته بهتر است. برای تحقق حکومت فعال لازم است کابینه‌ای متحد شکل بگیرد که این هم وظیفه رئیس وزرا است. وی باید اعضای کابینه‌اش را با اختیار انتخاب و برنامه خود را به آنها ارائه کند. سپس اعضا با صداقت و اعتقاد بر سر آن

۱. همان، ص ۵.

۲. همان، ص ۶ و ۷.

۳. همان، ص ۷ و ۹.

بحث کنند و اگر اختلافی رخ داد در رفع آن بکوشند و به تعهدات خود عمل کنند تا از بروز انفعال در حکومت جلوگیری شود.^۱

داشتن برنامه و تدبیر عقلانی از دیگر موارد است. وثوق الدوله که الگوی فرانسه و انگلستان را در نظر دارد، لزوم تحقق مشروطه را در جزئیاتی چون داشتن ادارات و انجمن‌ها نمی‌داند و بر این نظر است که مشروطه در صورت وجود و اجرای قانون اساسی قابل تحقق است و آنچه اجرای آن را تضمین می‌کند تعامل بین دولت و ملت است. سپس با مقایسه ایران و کشورهای اروپایی، ایران را فاقد ظرفیت لازم برای تحقق جزئیات مشروطه می‌داند و معتقد است که ما باید از امکانات و استعدادهای فطری خود بهره بگیریم. در واقع، وی مشروطه را از ترقی منفک می‌کند و بر این نکته پای می‌فشارد که ما می‌توانیم مشروطه باشیم و قانون اساسی داشته باشیم اما نمی‌توانیم مثل اروپا ترقی کنیم، چون زمینه‌های لازم در کشور فراهم نیست. مثلاً کافی است خرج و دخل کشور را در نظر آوریم و مشاهده کنیم که خرج آن از درآمدش بیشتر است.^۲ بنابراین، وثوق الدوله بار دیگر تأکید می‌کند که باید با امکانات موجود کار را آغاز کنیم و به یک سری اصلاحات دست بزنیم:

۱. تأمین بودجه از طریق گرو گذاشتن یا فروش جواهرات دولتی و یا از طریق وام گرفتن از شرکتی تجاری و یا یکی از دول همسایه ۲. انتظام امر قشون در شهرها و ولایات ۳. کاهش ترتیبات ادارات و کسر خرج‌ها و حذف مناصب غیر ضروری و ایجاد مالیات‌های جدید با ملاحظه و دقت ۴. رفع اختلاف بین مجلس و دولت و کسب موافقت بر سر برنامه مشخص ۵. جلوگیری از مداخله عامه مردم به کار دولت که باعث بی‌نظمی و فساد است ۶. جلوگیری از کار مفسدین و مخالفین و ساکت کردن آنها ۷. تسریع کردن کار مستخدمین خارجی و کمک به کار آنها ۸. ترک سلاح افرادی که غیر از قشون منظم دولتی هستند یا به خدمت گرفتن آنها ۹. ممیزی مالیات ۱۰. جلوگیری از دخالت انجمن‌های بلدی در امور شهرها ۱۱. دقت و اعمال بی‌طرفی در انتخاب مأمورین و حکام سرحدی ۱۲. برای عدم ضدیت و ایجاد مناسبت بین قوانین و برنامه‌های دولت و مجلس شورایی دولتی از ده عضو تشکیل شود و برای هر وزارتخانه دو نفر تعیین و هر یک به وزارتخانه رجوع کند و از قوانین و برنامه‌ها دفاع کرده و از مجلس تأیید بگیرد.^۳

در این سند نظرات و راهکارهای وثوق الدوله برای اجرای بهتر منویات مشروطه‌خواهان چنان روشن است که نیاز به توضیحی ندارد. اما آنچه در اینجا می‌توان در تکمله بعد نظری حکومت فعال یا مقتدر

۱. همان.

۲. همان، ص ۹-۱۱.

۳. همان، ص ۱۱ و ۱۲. در انتهای سند، تاریخ نگارش آن «۱۵ برج سرطان ۱۳۲۸ هجری قمری» ذکر شده است.

آورد آن است که از منظر نظری در علم سیاست حکومت مقتدر در برابر حکومت ضعیف قرار می‌گیرد. حکومت مقتدر به تعبیری حکومتی است که می‌تواند با داشتن ابزار اجرایی امور کشور را اداره کند و نظم و امنیت و عدالت را برقرار سازد. اما در مقابل آن حکومت ضعیف در اجرای این وظایف ناتوان است. اندیشه حکومت مقتدر در بحبوحه مشروطه، آن هم در زمانی که مشروطه‌خواهان همه در جهت رسیدن به آرمان‌ها یکدست نبودند و استبداد خود را به طور کامل تسلیم مشروطه نکرده بود، سبب کارزارها و درگیری‌هایی شد که تا مدت‌ها ادامه داشت، تا اینکه دست‌آخر عده قابل توجهی از نخبگان به آمدن چهره‌ای مقتدر چون رضاخان متمایل شدند و تجربه دیگری از استبداد پدید آمد. این در حالی بود که در درون حکومتی که چهره مشروطه و مردمی به خود گرفته بود، کشش‌ها و کوشش‌های بسیاری شکل گرفت تا تجربه ناقص و ناکامل مشروطه را به صورتی محقق کند.

چنانکه گفته شد، از نگاه وثوق‌الدوله نیز که از انقلابیون مشروطه‌خواه بود و تجربه ناکامی تحقق مشروطه را با چشم خود دیده بود، برقراری حکومتی فعال (مقتدر) جایگاه خاصی داشت. در واقع، شکل‌گیری حکومت ضعیف یا انفعالی پس از امضای فرمان مشروطه که بیشتر نشانگر عدم تناسب مشروطه با الگوی اروپا و ساخت جامعه سنتی ایران بود، وی را از منظر آسیب‌شناسانه متوجه این نکته کرد که انقلابیون باید آرمان‌های دست‌نیافتنی چون ترقی اروپایی را کنار بگذارند و با تشکیل حکومت فعال و سازوکارهای ضروری آن به تجربه مشروطه صورتی بومی و ایرانی دهند و بنا بر مقتضیات کشور وارد عمل شوند.

نکته دیگری که می‌توان به این موارد افزود آن است که تجربه وثوق‌الدوله از مشروطه سبب شده بود که او به نقش نیروها و عناصر مؤثر و فعال در جریان مشروطه یعنی مردم و انجمن‌ها توجه کند و راهکارهایی دهد که به مذاق برخی از مشروطه‌خواهان خوش نیاید و اتهاماتی را متوجه او کند. از جمله آنکه در ابتدای جریان مشروطه عامه مردم که شعارهایی را شنیده بودند مطالبات بسیاری از مجلس داشتند. چنانکه برای حل و فصل هر مسئله‌ای، حتی جزئی‌ترین موارد، به مجلس مراجعه می‌کردند و همین موجب شده بود نظم امور مختل شود. وثوق‌الدوله در این زمان در جلسه ۸۴ مذاکرات روز سه‌شنبه غرة ربیع‌الثانی مجلس شورای ملی می‌گوید: «مردم باید بدانند که مجلس مجبور نیست تمام لوايح و عرایضی که می‌رسد قرائت نماید مگر لوايحی که دارای اهمیت باشد.» افزون بر این، وثوق‌الدوله که دخالت عامه ناآگاه را در تصمیم‌گیری‌ها باعث درهم‌ریختگی بیشتر اوضاع می‌دانست، می‌کوشید از دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌ها جلوگیری کند. از این رو، در چشم برخی به بی‌توجهی به مردم متهم می‌شد.^۲ این در حالی بود که وی در برخورد با مردم در کوچه و بازار روش دیگری داشت. چنانکه

1. https://www.ical.ir/ical/fa/Content/4_artmajles

۲. احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران، ص ۱۶۸ و ۱۶۹.

سیدضیاء که از هواخواهان وثوق‌الدوله است، از روابط حسنهٔ او با مردم می‌گوید.^۱ از طرفی وثوق‌الدوله زایش بیش از حد تشکیلات حزبی را آفتی در جریان مشروطه تلقی می‌کرد نه کمک کار دولت و مجلس. این مسئله نیز او را در نظر عامه فردی ضد تشکیلاتی جلوه داده بود.^۲ حال آنکه او در کشاکش با اقتدار سلطنت، اختیارات بیشتری را برای دولت مطالبه می‌کرد و برخی چون شیخ محمد خیابانی با این نظر او به دلیل احیای استبداد مخالف بودند.^۳ وی در زمان ریاست‌الوزاری نیز چنین خواستی داشت و این یکی از علل استعفاى او قلمداد شده است.^۴ وثوق‌الدوله در این اوراق دربارهٔ روابط خارجی چیزی نگفته و تنها به تبعات حکومت انفعالی در روابط خارجی اشاره کرده است. می‌توان سکوت او را ناشی از حساسیت این موضوع دانست. به نظر می‌رسد کمره‌ای نیز که وثوق‌الدوله را «پهلوان دیپلماسی» معرفی می‌کند چنین گمانه‌ای را می‌پذیرد.^۵ ضمن آنکه با توجه به عملکردش پس از ابراز این نظرات، می‌توان به رویکرد نظری وی در عرصهٔ روابط خارجی نیز پی برد.

عملکرد وثوق‌الدوله پس از مجلس دوم

براساس آنچه دربارهٔ دیدگاه وثوق‌الدوله گفته شد، می‌توان عملکرد او را از خلال حوادث دنبال کرد. از این پس در عرصهٔ داخلی بیش از هر چیز اصلاح وضع مالی و و تهیهٔ بودجه، تقویت ارتش و مدرن‌سازی ایران و برقراری آرامش و امنیت مد نظر وثوق‌الدوله بود و در عرصهٔ مسائل خارجی آنچه برای او اهمیت داشت کاستن از فشارهای خارجی و توازن قوا، ملاحظهٔ شرایط و نزدیکی به یکی از قدرت‌های برتر و مدرن و به‌کارگیری مستخدمین خارجی بود. اینها از جمله مواردی است که در نظرگاه وثوق‌الدوله و در عملکردش برای برقراری حکومت مقتدر و حفظ تمامیت ارضی ایران بازتاب دارد و سایر مشروطه‌خواهان نیز در این باب با وی هم‌داستان‌اند.

نخستین رخدادی که با هدف اصلاح اوضاع آشفتهٔ مملکت و وضعیت متزلزل مجلس دوم اتفاق افتاد نامهٔ هیئت وزیران مورخ رمضان ۱۳۲۹ به مقام سلطنت بود که در آن وزیران به صورت کلی تغییر سیاست داخلی و خارجی را مطرح می‌کنند و طرح جزئیات آن را هم نوید می‌دهند.^۶ در همین سال است که وثوق‌الدوله در منصب وزیر امور خارجه، زیر فشارهای روسیه، برای استخدام مستشار خارجی

۱. سیدضیاء‌الدین طباطبایی، سیدضیاء عامل کودتا، به کوشش صدرالدین الهی (تهران: فردوس، ۱۳۹۳)، ص ۴۹.

۲. سید محمد کمره‌ای، روزنامهٔ خاطرات سید محمد کمره‌ای، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، ج ۱ (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴)، ص ۵۶۴.

۳. علی آذری، قیام شیخ محمدخیابانی در تبریز (تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۷۰)، ص ۴۰-۵۰.

۴. کمره‌ای، ج ۱، ص ۷۱۷.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۱.

۶. محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، ج ۳ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ص ۶۶۹.

ماده‌ای تهیه می‌کند و در پی تصویب آن برمی‌آید. هدایت در این باره می‌نویسد که این کار «در منزل صمصام‌السلطنه قرار است به تصویب وزرا برسد. سردار اسعد به من گفت تو هم برو. رفتم خوانده شد. اشکال در ماده دوم است که سلب اختیار در خواستن مستشار خارجه می‌کند مگر به تصویب سفارتین. در این ماده بحث بیشتر شد و بر این صورت قرار گرفت که دولت در استخدام مستشاران ملاحظه خواهد کرد که منافی روابط دوستانه با دولتین نباشد.»^۱

پس از انحلال مجلس دوم در محرم سال ۱۳۳۰ ق دوره فترتی آغاز شد که تا رسیدن احمدشاه به سن قانونی به درازا کشید. سه سالی سپری شد و در این مدت ناصرالملک نایب‌السلطنه زمامدار ایران بود و کابینه‌هایی بر سر کار آمدند و تشکیل مجلس سوم به تأخیر افتاد. در این دوره وثوق‌الدوله در کابینه علاء‌السلطنه باز هم سمت وزارت امور خارجه را بر عهده داشت. اما به دلیل تزلزل دولت و اوضاع نابه‌سامان کشور عزیمت به اروپا را ترجیح داد.^۲

وی پس از اینکه به ایران بازگشت، در زمان مجلس سوم در کابینه سوم مستوفی وزارت مالیه را بر عهده گرفت و این بار با طرح جدید خود در زمینه اصلاح مالیه کشور و به‌کارگیری اقوامش در دایره امور مالیه سوءظن‌ها را به خود معطوف ساخت.^۳ در همین برهه روزنامه‌ای روسی از عملکرد وی تمجید کرده و او را دوست معنوی روس‌ها خوانده بود.^۴

پس از این وثوق‌الدوله در کابینه‌های مختلف وزیر خارجه بود و چون در این دوران فشار نظامی روس‌ها بر نواحی آذربایجان همچنان باقی بود و آنها به خواست‌های دولت اعتنایی نمی‌کردند، وثوق‌الدوله در نظر عامه به دوستی با روس‌ها متهم شده بود.^۵ برای فهم بهتر این موضوع باید گفت در این مقطع، برابر با سال ۱۲۹۴ ش/۱۳۳۳ ق، روس و انگلیس از کشورهایی بودند که برای ترمیم و اصلاح امور داخلی مورد اعتنای برخی سیاست‌پیشگان ایران بودند. وثوق‌الدوله هم از جمله این افراد به شمار می‌رفت. و این در حالی بود که وی به‌رغم وابستگی به آلمان‌ها از کمکشان مأیوس شده بود، چون هدف آلمان رویارو کردن ایران با روس‌ها بود.^۶

در این فضای پر از یأس عامه مردم به تاجگذاری احمدشاه دلخوش بودند و عده‌ای از منورالکفران بدین اتفاق چشم امید داشتند. اما وضعیت چنان بود که در چشم واقع‌بینان هیچ کورسوی امیدی نبود. چرا

۱. هدایت، ص ۲۴۱.

۲. کسروی، تاریخ هجده‌ساله آذربایجان، ص ۵۷۱.

۳. مستوفی، ج ۲، ص ۲۲۳.

۴. مورخ‌الدوله سپهر، ایران در جنگ بزرگ (تهران: ادیب، ۱۳۶۲)، ص ۲۰۵.

۵. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ص ۲۶۶ و ۳۱۱.

۶. سپهر، ص ۲۱۵.

که به قول یحیی دولت‌آبادی «خالی بودن خزانه همان است که بود. نه دولت را قوتی است و نه ملت را اتفاق و همتی و بالجمله نه زر داریم و نه زور و در دست اجانب مقهور، مگر دستی از غیب بیرون آید و کاری بکند.»^۱ چنین بود که این مجلس با فشار اتفاقات جنگ جهانی اول و نقش روس و انگلیس ساقط شد.

در بحبوحهٔ چنین رخدادهایی است که در شهریور ۱۲۹۵/ذی‌القعدة ۱۳۳۴، یعنی در خلال جنگ جهانی اول، شاه و وثوق‌الدوله را به رئیس‌الوزاری منصوب می‌کند. دانسته‌های تاریخی حاکی از آن است که وضعیت کشور به دلیل حملهٔ احتمالی عثمانی به تهران و درخواست خروج شاه متزلزل بود، تا جایی که پیشروی عثمانی، تحولات روسیه و تمایل به این کشور برای اعطای امتیازات و عملیات کمیتهٔ مجازات و وثوق‌الدوله را از ادامهٔ کار منصرف کرد.^۲ عامهٔ مردم امیدوار بودند که وثوق‌الدوله بتواند در بحبوحهٔ تبعات جنگ جهانی تا حدی امنیت و ثبات و نظم را برقرار کند. اما کسانی چون شریف کاشانی این را خوش‌خیالی عامه قلمداد کرده‌اند^۳ و مصدق به یأس و وثوق‌الدوله بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و از دست رفتن این حامی دولت اشاره کرده است.^۴

اما بعد از جنگ جهانی اول، عده‌ای از کار به دستان برداشت و تصور دیگری از عملکرد وثوق‌الدوله در ذهن داشتند و احتمال اصلاح کارها را با حضور او و یا سپهسالار تنکابنی در پیوند می‌دیدند.^۵ بدین‌سان با روی کار آمدن دوبارهٔ او امیدها زنده شد. گرچه او محبوب دل‌ها نبود، از منظر برخی از منورالفکران کارآمد و مؤثر بود و می‌توانست در کشاکش مسائل داخلی و خارجی اقتدار حکومت مرکزی را بازگرداند. حتی شاه به‌رغم میل باطنی‌اش با انتخاب او موافقت کرد. ضمن آنکه به دلیل تحولات روسیه سیاست موازنهٔ بین دو قدرت روس و انگلیس امکان‌پذیر نبود و این مسئله موجب انعطاف و وثوق‌الدوله در برابر فشارهای انگلیس شد.^۶

در اینجا هم‌نوا با برخی از پژوهشگران از جمله همایون کاتوزیان می‌توان گفت «دولت او آخرین فرصت ایرانیان برای دستیابی به توافق سیاسی قابل اجرایی در چارچوب قانون اساسی ۱۲۸۵ بوده است. شق‌های دیگر یا انقلاب بود یا تجزیهٔ کشور و یا استقرار یک حکومت دیکتاتوری که می‌توانست به

۱. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ص ۲۶۷.

۲. سپهر، ص ۴۱۴.

۳. شریف کاشانی، ج ۳، ص ۷۸۴.

۴. محمد مصدق، خاطرات و تألمات مصدق، به کوشش ایرج افشار (تهران: علمی، ۱۳۶۵)، ص ۹۸.

۵. از زبان منشی سفارت اتریش میرزا حسین خان (صادق مستشارالدوله، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، مجموعه سوم، به کوشش ایرج افشار (تهران: طلایه، ۱۳۶۷)، ص ۲۳۱).

۶. امیل لوسوتوز، کودتای ۱۲۹۹، ترجمهٔ ولی‌الله شادمان (تهران: اساطیر، ۱۳۷۳)، مقدمه، ص ۱۲.

سرعت و سهولت از دل خود حکومتی استبدادی بیرون بدهد.^۱ از این روست که می‌بینیم وثوق‌الدوله در این زمان مجدانه‌تر از پیش در صدد برقراری حکومت مقتدر و تحکیم پایه‌های سیاسی حکومت برآمد. در پی چنین سیاستی خطر کمیته مجازات که خود او را نیز هدف گرفته بود،^۲ دفع شد و یاغیانی که در کشور باعث ناامنی و تشتت اوضاع شده بودند از صحنه کنار زده شدند. سپس وثوق‌الدوله به کار گیلان رسیدگی کرد و در کنفراس صلح پاریس نیز حضور یافت و مقدمات انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ را فراهم آورد.^۳ در نظر مردم و ملی‌گرایان، بدنامی وثوق‌الدوله در جریان قرارداد ۱۹۱۹ به دلیل دریافت رشوه تا بدانجاست که نمی‌توان این عمل او را با هیچ آبی تطهیر کرد.^۴ پیش از این نیز درباره عملکرد وی خوش‌بینی فراگیری وجود نداشت و اسناد نشانگر آن است که حین کنفراس پاریس احتمال سازش او با انگلیسی‌ها برای انعقاد این قرارداد در میان بوده است.^۵ وثوق‌الدوله طبق تلگراف‌هایی که با انگلیسی‌ها داشته، بر استقلال و تمامیت ارضی ایران تأکید کرده است. اما انگلیسی‌ها که عملکرد ایران را در کنفراس صلح پاریس با بدبینی می‌نگریسته‌اند، مدتی به طول می‌انجامد تا با وثوق‌الدوله به توافق برسند.^۶ انعقاد این قرارداد موجی از خشم را در جامعه ایران برانگیخت و با افشای قضیه دریافت پول از کشور انگلستان وثوق‌الدوله کاملاً مورد نفرت عمومی قرار گرفت. این در حالی است که منابع انگلیسی، همسو با وثوق‌الدوله، برای کم‌رنگ ساختن چهره منفور وی گزارش می‌کنند که در جریان انعقاد قرارداد او اصراری بر دریافت پول نداشته است.^۷

باید گفت وثوق‌الدوله در آن شرایط اضطرار کشور و در جهت تحقق آرمانش، یعنی برقراری حکومت فعال، همچون سلفش سپهسالار تنکابنی که قرارنامه‌ای سه‌جانبه را با انگلیس و روس و عثمانی به امضا رسانده بود، برای حل مسائل داخلی و اعاده قدرت حکومت مرکزی و تهیه پول و نیروی نظامی، راه‌حل را در تکیه ایران به قدرتی همچون انگلستان می‌دانست و بر این اساس است که می‌توان به دفاعیاتش در مجلس در برابر مخالفت مصدق تأملی دوباره کرد:

اضطرار حقیقی داعی شد که یا ما مملکت را تسلیم حوادث بکنیم و از معرکه بگریزیم، یا با مرکز واحدی که در آن موقع استمداد از آن ممکن بود [انگلیس]، داخل در مذاکره شویم و یک قراری

۱. محمدعلی همایون کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار (تهران: مرکز، ۱۳۷۹)، ص ۸۵.
۲. عمادالکتاب، کمیته مجازات و خاطرات عمادالکتاب، به اهتمام محمدجواد مرادی‌نیا (تهران: اساطیر، ۱۳۸۴)، ص ۷۱؛ کمرهای، ج ۲، ص ۹۸۵.
۳. سید مهدی فرخ (معتصم‌السلطنه)، خاطرات سیاسی فرخ، به اهتمام و تحریر پرویز لوشانی (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷)، ص ۵۲.
۴. برای اطلاع بیشتر از وضعیت مالی وثوق‌الدوله و ثروت‌اندوزی او بنگرید به: عبدالله مستوفی، رساله ابطال الباطل (تهران: مطبعه اخگر، ۱۳۱۱)؛ نطق مصدق در مجلس ششم در رد قرارداد و عدم شایستگی وثوق‌الدوله برای ورود به مجلس، ص ۱۵۱ به بعد.
۵. محمدعلی فروغی، یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی و سفر کنفراس صلح پاریس، به کوشش محمدافشین وفایی و پژمان فیروزبخش، ج ۲ (تهران: گنجینه پژوهشی ایرج افشار و سخن، ۱۳۹۴)، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.
۶. همان، ص ۱۵۰.
۷. همایون کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی، به نقل از: Cox to Curzon 14/8/19 BDFPT vol.iv,no.72.

بگذاریم. ان شاءالله یک وقتی این مسائل را در آثار محققین سیاست خواهید خواند. کتابها خواهند نوشت و آن وقت با فکر یک قدری روشن تری در قضایا حکم خواهید کرد.^۱

بدین سان با توجه به مخالفت‌های گسترده با قرارداد ۱۹۱۹ که از نظر وثوق الدوله و برخی از مدرن‌گرایان برای تقویت ارتش و مدرن‌سازی کشور مهم می‌نمود، و از منظر مردم و ملی‌گرایان و حتی کشورهای چون امریکا و فرانسه ناقض منافع ایران و در اختیار قرار دادن کشور به دست انگلیس تلقی می‌شد،^۲ این توافق ملغی اعلام شد و وثوق الدوله از صحنه کنار رفت و از این پس شرایط ناپایدار کشور و تزلزل کابینه‌ها به سمت و سوی اجرای کودتا برای روی کار آمدن فردی مقتدر پیش رفت.

وثوق الدوله پس از شکست قرارداد با اندوه و ناراحتی از ایران خارج شد و بر اثر اتهامات، موقعیت سیاسی او در ایران افول کرد و به‌رغم مدتی فعالیت سیاسی در اوایل دوره سلطنت پهلوی اول، به تدریج از مناصب حکومتی کنار رفت، ضمن آنکه رشوه‌دریافتی را به دولت ایران بازگرداند.^۳

بسیاری از نواندیشان و تحصیلکردگان ایران در زمان شکل‌گیری جنبش مشروطیت و در پی مشروطه شدن نظام سلطنت مطلقه پادشاهان قاجاری، به ایجاد دولتی مدرن و مقتدر دل بسته بودند. وثوق الدوله نیز در زمره این دسته از نخبگان حکومتی ایران بود. اما آشفتگی سیاسی ایران در دوره مشروطه، وثوق الدوله عملگرا را به این نتیجه رساند که برای پرهیز از ایجاد حکومت آنارشی و یا الیگارش‌ی باید به فکر ایجاد دولت فعال (مقتدر) و گذر از وضعیت دولت انفعالی مشروطه بود و این مهم در گرو نادیده انگاشتن برخی شعارها و اصولی است که مشروطه‌خواهان به صورت آرزوئی دسترس‌ناپذیر سرلوحه اندیشه و عمل خود قرار داده بودند. وی در مجموعه اصولی که در گزارش خود به مجلس دوم شورای ملی بیان کرده است نشان می‌دهد که از نظر او دولت مقتدر مورد نظر مشروطه‌خواهان محقق نشده است و چاره‌ای جز عملگرایی همراه با واقع‌گرایی در عرصه سیاسی ایران به‌جای آرمانگرایی مشروطه‌خواهانه وجود ندارد. و هنگامی که با رسیدن به ریاست‌الوزرای در پایان جنگ اول جهانی این فرصت برای او فراهم شد، با انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ در پی ایجاد دولت فعال و مقتدر برآمد. اسناد به‌جای‌مانده بیانگر این است که تلاش او برای انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ فراتر از رشوه‌گیری معروف او و وزیرانش است و ریشه در عملگرایی سیاسی او دارد. گرچه زیر پا نهادن آرمان‌های ملی جامعه ایران برای او جز شکست سیاسی و در نهایت حذف از مدار قدرت سیاسی حاصلی به بار نیاورد.

۱. دوره ششم مجلس، ۲۹ شهریور ۱۳۰۵، جلسه یازدهم.

۲. احمد واردی، زندگی و زمانه محمدعلی فروغی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ (تهران: نامک، ۱۳۹۴)، ص ۳۴.

۳. تقی‌زاده، ص ۲۱۷.

نتیجه‌گیری

فارغ از نظرات ستایش‌آمیز و سرزنش‌بار موافقان و مخالفان، وثوق‌الدوله مانند هر رجل سیاسی دیگر دارای نقاط مثبت و منفی در کارنامه خود است. او بنا بر فهم و استنباط نظری خود از فحوای مشروطه-مشروطه بومی یا ایرانی- و همچنین با تشخیص موقعیت‌های حساس در عرصه‌های مختلف نقش‌آفرینی کرد. بنابراین، براساس نوع نگاه اصلاحی وی به مشروطه، که خواستار ایجاد دولت فعال و رهایی از انفعال و هرج و مرج بود، می‌توان کارنامه او را نوعی مصلحت‌نگری سیاسی و عملگرایی در مواقع مختلف تلقی کرد. فشارهای خارجی و شرایط نیمه‌استعماری‌ای که روس و انگلیس ایجاد کرده بودند، همزمان با وقوع مهم‌ترین رخداد‌های قرن (انقلاب‌های روسیه و جنگ جهانی اول)، او و دیگر سیاست‌پیشگان را به اتخاذ موضعی متمایل می‌کرد که از منظر آنها درست‌ترین رویکرد بود، و از نگاه دیگران تعابیری دیگر داشت. البته منفعت‌طلبی‌های مادی و شخصی وی در جریان رویدادها چهره او را در تاریخ ایران از دیدگاه منتقدین و ایران‌دوستان یکسره منفور ساخته و جایی برای بخشش و تطهیر کارنامه او باقی نگذاشته است.

کتابنامه

- اتحادیه، منصوره. *بیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت دوره‌های یکم و دوم مجلس شورای ملی*، تهران: نشر سپاس، ۱۳۸۱.
- افشار، ایرج. *اوراق تازه‌یاب مشروطیت*، تهران: جاویدان، ۱۳۵۹.
- آدمیت، فریدون. *فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: پیام، ۱۳۶۳.
- آذری، علی. *قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز*، تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۷۰.
- بهار، محمدتقی. *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*، ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- بهار، ملک‌الشعرا. «شرح حال مرحوم وثوق‌الدوله»، *یغما*، ش ۱۱، شهریور ۱۳۳۶، ص ۲۵۶.
- تقی‌زاده، حسن. *زندگی طوفانی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی، ۱۳۷۲.
- تکمیل همایون، ناصر. «قرارداد وثوق‌الدوله و موضع‌گیری دکتر مصدق»، *بخارا*، ش ۹۹، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۳، ص ۳۳۰-۳۵۷.
- جلالی نایینی، سیدمحمدرضا. «خدمات سیدضیاء و وثوق‌الدوله و نقش آنان در انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ در حفظ تمامیت ارضی»، *حافظ*، ش ۶، س ۱۳۸۳، ص ۱۹-۲۱.
- _____ «نقض عهد وثوق‌الدوله در مورد قرارداد ۱۹۱۹»، *حافظ*، ش ۲۰، آبان ۱۳۸۴، ص ۹۴-۹۵.
- دوره ششم مجلس، ۲۹ شهریور ۱۳۰۵، جلسه یازدهم.
- دولت‌آبادی، محمدعلی. *خاطرات سیدعلی محمد دولت‌آبادی*، تهران: انتشارات ایران و اسلام و فردوسی، ۱۳۶۲.

- دولت‌آبادی، یحیی. *حیات یحیی*، ج ۲، تهران: انتشارات عطار و انتشارات فردوسی، ۱۳۷۱.
- رشدیه، شمس‌الدین. «قرارداد وثوق‌الدوله و حوادث مربوط به آن»، *خاطرات وحید*، ش ۴۰، بهمن ۱۳۵۳، ص ۲۵-۳۶.
- رضاخانی، بهمن. «درباره قرارداد ۱۹۱۹ و وثوق‌الدوله»، حافظ، ش ۸۱، اردیبهشت ۱۳۹۰، ص ۸۰-۸۱.
- سپهر، مورخ‌الدوله. *ایران در جنگ بزرگ*، تهران: ادیب، ۱۳۶۲.
- شریف کاشانی، محمدمهدی. *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، ج ۳، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.
- شوستر، مورگان. *اختناق ایران*، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، به کوشش فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۵۱.
- طباطبایی، سیدضیاء‌الدین. *سیدضیاء عامل کودتا*، به کوشش صدرالدین الهی، تهران: فردوس، ۱۳۹۳.
- عمادالکتاب، کمیته مجازات و خاطرات عمادالکتاب، به اهتمام محمدجواد مرادی‌نیا، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- فرخ، سیدمهدی (معتصم‌السلطنه). *خاطرات سیاسی فرخ*، به اهتمام و تحریر پرویز لوشانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۷.
- فروغی، محمدعلی. *یادداشت‌های روزانه محمدعلی فروغی و سفر کنفرانس صلح پاریس*، به کوشش محمدافشین وفایی و پژمان فیروزبخش، ج ۲، تهران: گنجینه پژوهشی ایرج افشار و سخن، ۱۳۹۴.
- قهرمان‌میرزا، عین‌السلطنه. *روزنامه خاطرات*، ج ۵، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.
- کسروی، احمد. *تاریخ هجده‌ساله آذربایجان*، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- _____ *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶.
- کلهر، محمد و شهرزاد مرقمی. «زمینه‌های پیدایش دولت مقتدر (۱۲۸۵-۱۳۰۲ش)»، مسکویه، ش ۱۳، تابستان ۱۳۸۹، ص ۱۴۶-۱۳۱.
- کمالی، حبیب‌الله. «تلاش‌های حکومت بالشویکی روسیه و عواقب کجروی وثوق‌الدوله»، *گنجینه اسناد*، ش ۹، بهار ۱۳۷۲، ص ۴۶-۵۵.
- کمره‌ای، سید محمد. *روزنامه خاطرات سید محمد کمره‌ای*، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا، ج ۱، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴.
- لوسونوز، امیل. *کودتای ۱۲۹۹*، ترجمه ولی‌الله شادمان، تهران: اساطیر، ۱۳۷۳.
- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. *اسناد کمیسیون‌های مجلس دوم*، کارتن ۱۴، پرونده ۱.
- مذاکرات مجلس اول. از ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا جمادی‌الاول ۱۳۲۶، تهران: ۱۳۲۵ش.
- مستوفی، عبدالله. *شرح زندگانی من*، ج ۲، تهران: زوار، ۱۳۷۱.
- _____ *رساله ابطال الباطل*، تهران: مطبعه‌خگر، ۱۳۱۱.
- مصدق، محمد. *خاطرات و تألمات مصدق*، به کوشش ایرج افشار، تهران: علمی، ۱۳۶۵.
- ملک‌زاده، مهدی. *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: علمی، ۱۳۷۹.
- مستشارالدوله، صادق. *خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق*، مجموعه سوم، به کوشش ایرج افشار، تهران: طلایه، ۱۳۶۷.

تأملی بر مشروطه‌خواهی و ثوق‌الدوله: گذر از حکومت انفعالی به حکومت فعال در ایران دوره مشروطه / ۱۸۳

کرمانی، ناظم‌الاسلام. تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: نشر پیکان، ۱۳۷۶.
واردی، احمد. زندگی و زمانه محمدعلی فروغی، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نامک، ۱۳۹۴.
هدایت، مهدی قلی‌خان. خاطرات و خطرات، تهران: زوار، ۱۳۶۳.
همایون کاتوزیان، محمدعلی. دولت و جامعه در ایران انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز، ۱۳۷۹.
یغمایی، اقبال. «میرزا حسن خان وثوق‌الدوله هفدهمین وزیر علوم و معارف ایران»، مجله آموزش و پرورش، ش ۱۲۳، اردیبهشت ۱۳۵۰، ص ۵۶-۶۱.

https://www.ical.ir/ical/fa/Content/4_artmajles





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی